

|       |           |
|-------|-----------|
| سیاسی | Political |
|-------|-----------|

نویسنده: کار لا استا\*  
فرستنده: علی مشرف  
۰۴ می ۲۰۱۸

## دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی کوریای شمالی

جمهوری دموکراتیک خلق کوریا با اقدامات وحشیانه توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد روبه روست

«وجدانم هیچ گزینه ای برای من باقی نگذاشت تا خیانت سکوت مرا شکست دهد ... من می دانم که امروز بزرگترین تأمین کننده خشونت در جهان، دولت من است». (ازمارتین لوتر کینگ، کشیش محترم و برنده جایزه صلح نوبل).  
« ملل متحد که برای جلوگیری از عذاب جنگ به وجود آمد، تبدیل به ابزار جنگ شد.» (رمزی کلارک دادستان کل سابق امریکا).

مقدمه واشنگتن، دی سی، ضبط نوار کاخ سفید، ۲۵ اپریل ۱۹۷۱ پرزیدنت نیکسون: « ما چند نفر را در لائوس کشتیم؟»

هنری کیسینجر، مشاور سابق امنیت ملی: « در مورد لائوس، ما حدود ده و پانزده هزار نفر را کشتیم » پرزیدنت نیکسون: « ببینید حمله به ویتنام شمالی است که ما در ذهن داریم. نیروگاه های انرژی، هر چه که باقی مانده است، نفت، اسکله ها ... و من فکر می کنم ما باید این سد ها را واژگون سازیم. این خود مردم را غرق می کند؟»

کیسینجر: « حدود ۲۰۰ هزار نفر کشته شدند. » نیکسون: "من بیشتر ترجیح می دهم از بمب هسته ئی استفاده شود. هنری، آیا شما آن بمب را آماده برای استفاده دارید؟ « کیسینجر: « من فکر می کنم، دست به چنین کاری زدن دیگر بیش از حد خواهد بود.» نیکسون: « بمب هسته ئی، آیا این شما را ناراحت می کند؟ من فقط می خواهم شما به خاطر مسیح هم که شده بزرگ فکر کنید. » دوم ماه می ۱۹۷۲

نیکسون: « امریکا شکست نخورده است. ما نباید در ویتنام شکست بخوریم ... نظریه عملیات جراحی شده با بمب کاملاً درست است، اما من می خواهم آن منطقه را با بمباران به تکه های کوچک تبدیل کنم. اگر ما شمشیر بکشیم، با بمب این حرام زاده ها را هر جا که هستند از بین می بریم. اجازه دهید پرواز کند، اجازه دهید پرواز کند. بگذار انجام گیرد، بگذار انجام گیرد. »

جیمی کار تر، رئیس جمهور پیشین ایالات متحده: « بیش از هر ملت دیگری در جهان، ایالات متحده درگیر در برخورد ها و کشمکش های مسلحانه بوده و از جنگ به عنوان وسیله ای برای حل اختلاف استفاده کرده است ... من ۱۰ یا ۱۵

جنگ را ذکر کردم و براحتی می توانم ۱۰ یا ۱۵ مورد دیگر را ذکر کنم. بقیه جهان تقریباً به اتفاق آراء ایالات متحده را به عنوان تجاوز گر درجه یک می نگرند. ما هیچ راه دیگری را در حل اختلافات به غیر از جنگ ندیدیم. « (۱۰ اپریل ۲۰۱۴)

پس از بازگشت من از جمهوری دموکراتیک خلق کوریا در تاریخ ۲۵ می ۲۰۱۷، من وحشت زده شدم از شیوه تفکر خودکامه و دیکتاتوری کاملاً عربیان توسط ۱۵ عضو شورای امنیت ملل متحدی که از قطعنامه جدید ۲۳۵۶، فصل پنجم حمایت کرد و با افزایش بیشتر تحریم های خفه کننده علیه جمهوری دموکراتیک خلق کوریا، با مردمی قهرمان، مترقی و قابل تحسین که تنها از روی استیصال و ناچاری سعی می کنند از هر گونه تکرار کشتار وحشیانه ای که به ملت خود با تبنای جنایتکارانه شورای امنیت ملل متحد در طول تجاوز اول به کوریا بین سالهای ۱۹۵۳ - ۱۹۵۰ اعمال شد، دفاع کنند. حمایت همه جانبه از تحریم های جدید توسط ۱۵ عضو شورای امنیت، شرم آور است. همه پانزده عضو شورای امنیت، از جمله ایالات متحده، به طور قطع می دانند که جمهوری دموکراتیک خلق کوریا هرگز به هیچ کشوری حمله نخواهد کرد، مگر این که ابتداء مورد حمله قرار گیرد یا تحریک غیر قابل تحمل شود.

سازمان ملل بار دیگر نشان می دهد که این یک ضمیمه پنتاگون است. به نظر می رسد که در سال های اخیر، و تو حقوقی فصل پنجم قطعنامه روسیه و چین علیه سوریه، ملل متحد، به عنوان یک سازمان مستقل دارای حرمتی بود. در روز ۲ جون ۲۰۱۷، شورای امنیت ملل متحد نشان داد که کلیه اعضاء زیر شست ایالات متحده قرار دارند، و مایل است یک حمله وحشیانه و جنایتکار را علیه یک کشور آسیائی کوچک که نمونه ای موفق از یک سیستم سوسیالیستی است و همچنان پایدار است، علی رغم تحریم های جنائی که تا به حال توسط یک جامعه نژاد پرست به این مردم شریف اعمال شده است، هنوز تلاش دارد تا اراده خود را در قاره اروسیا تحمیل کند. به گفته جنرال مک آرتور، « اقیانوس آرام بحیره انگلوساکسون است. »

زمانی که سیاستمدار بزرگی مثل لخد برهمی زیر سوال قرار می گیرد که چرا بارها و بارها کارکنان و ساختمان ملل متحد مورد حمله قرار می گیرد، در پاسخ او گفت، ملل متحددیگر به عنوان یک سازمان بی طرف شناخته نمی شود، بلکه در حال حاضر به عنوان یک حزب جدال برانگیز تفهیم می شود. هیچ نمونه غیر قابل چشم پوش بیشتری از نوکر مابی ضعیف النفس ملل متحد در مقابل دیکته کردن های ایالات متحده از حمایت شورای امنیت از تحریم های مجرمانه مجازات علیه کوریای شمالی، کشوری که باید آن را به عنوان بهشت برای کودکان توصیف کرد، که بهترین مراقبت های بهداشتی، آموزش و پرورش را رایگان (دستاوردی که تنها چند کشور سرمایه داری غربی تا اندازه ای به آن توجه کردند) فراهم ساختند، وجود ندارد.

جوزف گوبلز، وزیر تبلیغاتی آدولف هیتلر، اظهار قطعی کرد که، « یک دروغ هزار بار گفته شده به عنوان حقیقت پذیرفته می شود.»

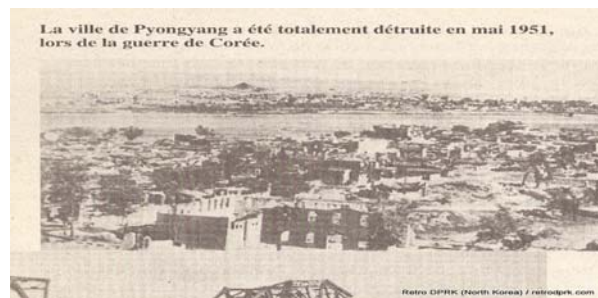


### طریقی که غرب جمهوری دمکراتیک خلق کوریا (شمالی) را به تصویر می کشد. (منبع: آندره ولتچک)

یکی از بزرگترین موفقیت های خودکامه و دیکتاتور در دادن شست و شوی مغزی توسط رسانه های غربی که بیش از حد بسیاری از مردم را در غرب و داخل نظام ملل متحد تحت کنترل درآورده، نادیده گرفتن واقعیت های زندگی در کوریای شمالی ست، با این وجود، با خود سری و تکبر مرا به مبارزه طلبید زمانی که آنچه را که من طی بازدید واقعی و شخصی ام در جمهوری دمکراتیک خلق کوریای شمالی کشف کرده بودم. هیچ کدام و من تکرار می کنم، هیچ کدام از این حضرات تا به حال از کوریای شمالی دیدن نکرده اند، با اینحال، آنها با تاختن بیش از حد با جهل خود، با سماجت مثل ابله ها اصرار ورزیدند، در صورتی که آنها علی رغم کمبود کامل دانش دقیق خود، می دانستند آنچه را که من دیدم حقیقت دارد.

### قسمت اول

پس از بازگشت از سفر جامع و کامل از کوریای شمالی، این مشکل است، اگرچه غیر ممکن نیست که کلمات یا حتی عکس ها را توضیح دهم، دستاوردهای کاملاً الهام بخش مردم و دولت کوریای شمالی که پیهم تحت حملات وحشیانه و غیر قابل توضیح امریکا و کوریای جنوبی قرار دارند، که با همکاری شرم آور ملل متحد کل کشور آنها را معدوم کردند، اما آنها به طرز قهرمانانه ای کشور خود را دوباره ساختند.



امروز کوریای شمالی قهرمانانه در توسعه جامعه سوسیالیستی خود پایبند است. علی رغم تحریم های کیفی که توسط شورای امنیت ملل متحد نسبت به کوریای شمالی اعمال می شود، تلاش می شود تا با نوکر مآبی ضعیف النفس در برابر « منافع » ایالات متحده تا این نمونه خوش ذات از لحاظ اجتماعی و اقتصادی منصف و جامعه دمکراتیک را ویران کنند. جمهوری دمکراتیک خلق کوریای شمالی به عنوان نمونه ای از تلاش شجاعانه برای عدالت اجتماعی و اقتصادی ست، علی رغم تهدید وجودی برای بقای آنها ناشی از تهدیدات بی رحمانه و مرگبار از قدرت نظامی قریب الوقوع « عملیات » ارتش امریکا و کوریای جنوبی در مرز این کشور (تمرینات تحت عنوان « بریدن سر دولت، ») و تهدید اقتصادی و اتمی از سوی ایالات متحده و شورای امنیت خدمت گذار آن باقی می ماند.



## مسکن رایگان همگانی در جمهوری دموکراتیک خلق کوریا (منبع: آندره ولتچک)

پیش از دیدار من از این کشور، از من دعوت شد که لیست فعالیتها و لیست افرادی را که می خواستم در پیونگ یانگ ملاقات کنم را ارائه بدهم. تقریباً تمام درخواستهای من در طول این دیدار مورد احترام قرار گرفت.

هنگامی که من از جت Korya در فرودگاه پیونگ یانگ پائین شدم، هیچ تصویری از آنچه انتظار نمی رفت، فراتر از حملات رعد آسای تبلیغاتی و پیش بینی های شدید خطر، تعصباتی که عمدتاً ذهن تقریباً تمام مردم در غرب و در ملل متحد را به محض اشاره به کوریای شمالی فاسد کرده بود، من به طور غریزی می دانستم که بر اساس تجربه گذشته با چنین تبلیغاتی، حقیقت ناگزیر کاملاً متفاوت از داستان های ترسناکی است که حتی از همقطاران تحصیل کرده در سطح بالای کالج خود نیز وارونه شنیده بودم.

اما چیزی که من شنیده بودم مرا آماده نکرده بود تا یک ملت شجاع و دوست داشتنی، که دارای خرد بزرگی که تلاش آنها برای ایجاد یک جامعه عادل با برابری اقتصادی و اجتماعی که فرا تر از امید و انتظارات من بود، و علی رغم تحریم های وحشیانه سبک گشتاپو اعمال شده بر این مردم بسیار قابل توجه توسط ایالات متحده و نو کران به وجود آورده خود، یعنی شورای امنیت ملل متحد را کشف کرده باشم.

اکتشاف من با هواپیمای Air Korya با حمل و نقل من از بیجینگ به پیونگ یانگ و صحبت من با مرد کوریائی که در کنار من در هواپیما نشسته بود شروع شد. او لجوج، سرسخت و خجالتی که تبلیغات مرا وادار به قبول آن نکرده بود، اما او فردی دوستانه، شگفت انگیز، سالم، سر حال، شوخ و داستان سرای زبر دستی بود که کوریای شمالی را به عنوان یکی از آخرین کشورهای سوسیالیستی باقی مانده در جهان نامید. هم چنان که ما با مهماندار دوست داشتنی که مقابل ما نشسته بود صحبت می کردیم، مرد کوریائی که پهلوی من نشسته بود در گوشی به من گفت، این مهماندار زن، جاسوس است. من پاسخ دادم، " کدام طرف او جاسوسی می کند، سازمان "سیا" یا کوریای شمالی؟" او سپس اضافه کرد که مردی که پشت سرما نشسته است نیز جاسوس است، من به عقب نگاه کردم و گفتم که این مرد خواب است. آشنای جدید کوریائی من گفت که مرد پشت سر ما تنها وانمود می کند که خواب می باشد. من بالاخره متوجه شدم که آشنای جدید من مرا دست انداخته است و چون می دانست من امریکائی هستم، با اطلاعاتی که از من داشت، می دانست من در تمام طول این مدت از طریق رسانه ها تلقین شده بودم. ما در مورد دنیای هرج و مرج کنونی بحث کردیم و وقتی که پرواز کوتاه به پایان رسید و از مکالمه جالب با من تشکر کرد، من متوجه شدم که این کوریای شمالی ها ممکن است جالب تر و جذاب تر از آن باشند که من انتظار داشتم.

منتظر من در فرودگاه پیونگ یانگ، آقای جنگ سو اونگ، مترجم و راهنمای من بود که درخواست کرده بودم و حین درخواست ویزا از نیویورک لیست در خواست طولانی خود را به آنها ارائه داده بودم. کوریای شمالی ها نمی توانستند راهنمای بهتر و کاملتری از این برای سفر من در سرتاسر سرزمینشان انتخاب کنند؛ مردی که با بی نهایت صبر، حساسیت، و عقل خیره و ماهر برای خلق و خوی و حس کنجکاو سیر نشدنی من بسیار مناسب بود که کل دیدار مرا به کشف یکپارچه توأم با خوشحالی در مورد یک ملتی تفوق جسته از هوش و ذکاوت و وقف شده به ارزش های انسانی ست، از این که تا به حال از آن ناامید شده بودم. کل کمپین خودکامگی، دیکتاتوری مطلق و تهدید که علیه کوریای شمالی به راه انداخته شده است، مرا برای مخالفت دقیق با آن آماده کرده بود.

من به مهمان خانه دوست داشتنی Kobangsan رفتم، و بلافاصله پس از ورود من به آنجا توسط آقای ری یونگ پیل، معاون مدیر کل بخش شمال امریکا از وزارت امور خارجه با مهربانی خاص و احترام استقبال شدم. او راجع به مقاله من در مورد کشورش تشکر کرد و مرا در آن شب برای صرف شام دعوت کرد. پس از آن که من لباس رسمی تری به

تن کردم، ما یک شام طولانی از غذاهای خوشمزه کوریایی و یک بحث پویا و جامع از واقعیت های فوق العاده پیچیده دنیای امروز و وضعیت منحصر به فرد کوریای شمالی در قلب آن را داشتیم. من پرسشهای بسیار کاوشی و غیر دیپلماتیک، با اجتناب از گریز زنی و مقابله با مسائل بحث برانگیز داشتم. من در مورد گزارش ننگین کربی سؤال مطرح کردم که هم اکنون من عمیق آن را مطالعه کرده بودم و کشف کرده بودم که تبلیغات ساختگی بر مینای گزارشهایی ست که از سوی خابنن فراری که در مقابل مخالفت های وحشتناک شان علیه کوریای شمالی پول هنگفتی دریافت می کردند و هرچه داستانهای آنها وحشتناک تر و غم انگیز تر می بود پول بیشتری دریافت می کردند.

سر دسته فراری، بر اساس شرحی که گزارش مایکل کربی به طور عمده برآن اساس بود، شین دونگ هوک، متعاقباً اقرار می کند که او دروغ گفته و اظهاراتش را تحریف کرده که در واقع از سوی جامعه متخاصم انکار شده بود. من می دانستم که سؤالات من ممکن است برای میزبان من خجالت آور باشد، هم چنین می دانستم کاوش من به منظور سندیت بخشیدن به تحقیقات من ضروری بود، من از آقای جنگ سو اونگ در مورد هویت این مخالفان فراری سؤال کردم. او پاسخ داد که بعضی از متخلفان برای تجاوز به زنان و سایر جنایات زندانی شده بودند و این ها «زندانیان سیاسی» نیستند، در صورتی که مایکل کربی در گزارش خود به اشتباه گفته، لازم به ذکر است که مایکل کربی هرگز از کوریای شمالی دیدن نکرده و « کمیسیون تحقیق » او به طور کامل مبتنی بر شایعات است که متعاقباً روشن شد که تقلب است. دستیار دبیر کل ملل متحد برای حقوق بشر، ایوان سیمونویچ، اذعان کرد که گزارش مایکل کربی از سوی کمیسیون تحقیق (بر اساس بیانیه های فراری های مخالف که پول هنگفتی به ازای بیانیه های دروغ که مطلوب «سؤال» کننده بود، دریافت می کردند) استاندارد اثبات لازم را برای پذیرش به عنوان مدرک در دادگاه قانون را برآورد نمی کند.

آقای جنگ سو اونگ به من توصیه کرد که اگر چه چین اخیراً دو کشتی کوریای شمالی را که حامل ذغال سنگ به منظور تحویل به چین بودند در اطاعت از تحریم های نا عادلانه ملل متحد برگرداند، در واقع بسیاری از ملت ها و صنعتگران مشتاق اند که با کوریای شمالی تجارت کنند و سرمایه گذاری برای توسعه منابع غنی کوریای شمالی کنند. تحریم های جنایتکارانه ملل متحد با تحریم هایی که ایالات متحده در دهه های مختلف در کوبا انجام داده است، قابل مقایسه است و بسیاری از تجار هوشیار در ایالات متحده و سایر نقاط، به مثابه ضد تولیدی و احمقانه به شمار می روند. آقای ری ( Ri ) تأکید کرد که دولت و اقتصاد کوریای شمالی به طور خاص مبتنی بر اصل اتکاء به نیروی خود است و هر زمان که ممکن بوده، از وابستگی به هر کشور دیگری دوری جسته و استقلال خود را حفظ کرده و این امر توانایی های کوریای شمالی در حفظ و پیشرفت خود، برنامه های اجتماعی بشردوستانه، علی رغم مجازات ها و تحریم های جنایت بار ملل متحد که سعی دارد کشور ما را خفه کند، بیشتر کرده است. او با بیشترین احترام خاطر نشان کرد که زمانی که اخیراً سیل های شدید بخش شمالی کوریای شمالی را ویران کرد و موجب مرگ و کشتار بسیاری از مردم و تخریب خانه های مردم شد، رئیس جمهور کیم جونگ، بلافاصله کار را در ساختارهای کمتر ضروری در پیونگ یانگ متوقف کرد و کارگران را برای رفتن به منطقه سیلاب شمال و ساخت خانه های جدید برای قربانیان سیل بسیج کرد. کمک فوری او به قربانیان این سیل، مورد تحسین همه مردم در سراسر کشور قرار گرفت.



**یک نمونه از تئاترهای بسیار در پیونگ یانگ (منبع: آندره ولتچک)**

شام، مقدمه من برای دولت کوریای شمالی چندین ساعت به طور جشن واره گی و روشنگرانه سپری شد و آقای ری ابداً خشکی و یا ضعف ایدئولوژیک یا تعصب از خود نشان نداد یا مطلقاً هیچ گونه کج خلقی یا محاربه نسبت به هر کشور دیگر، از جمله مردم امریکا از خود نشان نداد. تمرکز او بر حفظ و حفاظت از برنامه های اقتصادی و اجتماعی است که زندگی شهروندان جمهوری دمکراتیک خلق کوریای شمالی را با مسؤلیت تمام تأمین کند. من به او و آقای جانگ با اطمینان آشکار کردم که به من در میهمانی در نیویورک زمانی که یکی از خبرنگاران رسمی و معتبر امریکائی در ملل متحد به سفیر چین لیو گفت:

«اگر من به جای کیم جونگ اون شاهد حمله به لیبیا و شکنجه و قتل قذافی بودم، بعد از این که آنها برنامه هسته ئی خود را رها کنند، من نیز تسلیحات هسته ئی خود را متوقف خواهم ساخت!!!»

صبح روز ۱۹ ماه می ما از بیمارستان کودکان Okryu دیدن کردیم که تنها می توان آن را یک احترام معجزه آمیز به کودکان کوریای شمالی توصیف کرد، یک طراحی بسیار زیبا و با آسایش و نمونه ای از احترام به نیازهای کودکان است که ساختمان خود به تسکین ضربه روحی کودکان و والدین آنها کمک می کند، بیماری های کودکان و صدمات وارده به آنها، توسط پزشکان و پرستاران متخصص آموزش دیده، با مدرن ترین تجهیزات مورد معالجه قرار می گیرند. بیمارستانهای مشابه در سرتاسر کشور موجود می باشند و پزشکان در سایر مراکز از طریق اسکایپ با کارکنان پزشکی در بیمارستان پیونگ یانگ مشورت می کنند و جایی که مواردی بسیار پیچیده وجود دارد و نمی توانند در بیمارستان منطقه ئی حل و فصل گردند، و یا کودکان نیاز به جراحی پیچیده تر یا درمان اضطراری دارند برای درمان گسترده تر لازم است که توسط هلیکوپتر به بیمارستان اصلی پیونگ یانگ انتقال داده شوند. یک محل مخصوص برای فرود هلیکوپتر درست در خارج بیمارستان موجود است.

تمام درمان های پزشکی رایگان است و تمام کودکان در سراسر کوریای شمالی دسترسی به این امکانات پزشکی دارند. من هیچ وقت، در هیچ جایی، بیمارستان کودکان قابل مقایسه با چنین کیفیت بالا که اینقدر اهمیت و توجه برای نیازهای فیزیکی و احساسی خاص فرزندان و والدین آنها قائل بشوند مشاهده نکردم. بخش فیزیوتراپی برای کودکان مبتلا به فلج یا با نقص شکل پا که موجب ناتوانی در راه رفتن می شود، مطلقاً خارق العاده بود، آموزش تمرین های متعدد که باعث بازسازی عضلات پا و ساق پا، تبدیل آنها از کودکان زمین گیر و فلج به راه رفتن، دویدن و بازی کردن به طور نرمال می شود و سعی و کوششی که برای این تمرینات توان بخشی و بهبود کودکان انجام می گیرد، هم الهام بخش و هم عمیقاً احساسات انسان را برمی انگیزد.

درست قبل از ورودم به این بیمارستان، جزئیاتی را دیدم که دنیائی از اطلاعات مربوط به زنان کوریای شمالی را نشان داد. به شگفتی من، یک زن با کودکش وارد بیمارستان می شود که کفش پاشنه بلند طلائی به پا داشت، او حقیقتاً شگفت انگیز، زیبا و ظریف بود که باعث تعجب یا سردرگمی در انتظارات من شد. این افسانه کلیشه ئی که مردم کوریای شمالی یکنواخت، خسته کننده، کهنه با نمایش فقر لباس می پوشند مرا منفجر کرد و سبب شده شرایط تخریب شده دنیائی را متوجه شوم که به اشتباه این مردم را معرفی کردند. پس از آن متوجه شدم زنان دیگری با همان جذابیت و گیرائی سحرآمیز کفش پاشنه بلند داشتند که اغلب همراه با لباس های زیبا و چتر آفتابی رنگارنگ که آنها را از نور خورشید محافظت می کرد. من به آقای جانگ اشاره کردم که من بر این جزئیات تأکید می کنم، زیرا کفش زنانه، به ویژه کفش پاشنه بلند، اغلب بیان عزت نفس او است. و این زنان در سراسر پیونگ یانگ، ظاهراً از اعتماد به نفس بالا برخوردار هستند. و هم چنان که دیدار من پیش می رفت، من تشخیص دادم که جمهوری دموکراتیک خلق کوریای شمالی پیشرفت چشم گیری در زمینه حقوق جنسی و حقوق بشر کسب کرده است، که یکی از اهداف انکشافی سال ۲۰۳۰ ملل متحد می باشد.

صبح روز بعد، ما از بیمارستان مربوط به چشم و بیماریهای آن، Ryugyong دیدن کردیم، که مدرن ترین و درمان به روز، از کوری تدریجی (گلوکوما) تا پیدایش ماکو لار (مقدار بالای آنتی اکسیدان ها و فلز روی به طور قابل توجهی خطر ابتلا به انحطاط رگها که مرتبط با سن پیشرفت می کند و از دست دادن بیماری مرتبط به کوری چشم را کاهش می دهد) را ارائه می دهد. من می توانم به سطح کاردانی و کارشناسی و امکانات آنها اطمینان دهم، زیرا من کانتاکت لنزهای خاص خودم را بررسی کردم و نتایج آزمایش آنها مشابه آنچه که در چشم پزشک متخصص چشم من در نیویورک بود، ملاحظه کردم. این بیمارستانها پر از مریض های با سنین متفاوت هستند و همه آنها تمام کمال رایگان معالجه می شوند. آقای جانگ به من اطلاع داد که تمام هزینه های پزشکان و خانواده های شان از طریق دولت پرداخت می شود تا پزشکان بتوانند بدون توجه به نیازهای خود و خانواده های شان در بیمارستان بدون حواس پرتی و منحصراً روی مریض های خود تمرکز کنند، و در نتیجه بیماران خود را با سطح مطلوبی از مراقبت ها رسیدگی کنند.



**بیمارستان چشم پزشکی عمومی Ryugyong** (منبع: KFAUSA.org)

بعد از ظهر آن روز ما از دبیرستان پیونگ یانگ شماره ۱ بازدید کردیم، جایی که، به درخواست من، از کلاس های زیست شناسی، کیمیا و فزیک بازدید کردم. آنها مرا دعوت کردند تا از طریق میکروسکوپی که دانشجویان از این طریق ترکیبات گیاهان را بررسی می کردند، و من رگه های به مراتب بزرگ شده برگه را دیدم. در کلاس کیمیا با دانشجویان در مورد جوهر کیمیائی که آنها مطالعه می کردند صحبت کردم و زمانی که متوجه شدم خانم زیبایی تدریس می کند، من به مترجم گفتم که این دانشجویان ممکن است عاشق این معلم شوند و مثل پرزیدنت جدید فرانسه، امانوئل

ماکرون ممکن است با این معلم ازدواج کند، که احتمالاً ۲۵ سال بزرگتر از او است، هم چنان که می دانیم پرزیدنت ماکرون این کار را انجام داده. اظهار نظر من به معلم کیمیا نقل شد، خندید و مرجع مرا درک کرد و مترجم من با لذتی صادقانه از مشاهده من خشنود شد، هر چند نظر من بود! دانشجویان فزیک توضیح دادند که جسم مورد نظر من روی میز یک ژيروسکوپ بود و ما در مورد برنامه ها و بلند پروازی های آنها به عنوان فزیک دانهای آینده جمهوری دمکراتیک خلق کوریای شمالی صحبت کردیم.

این کلاس های علمی شامل دختران و پسران بود. من توضیح دادم که من یک ویزیتور از ایالات متحده هستم و منتظر دوستی های آینده کشورهای مان هستم. تمام دانشجویان با آرزویی که من داشتم توافق داشتند، آنها طبیعی بودند، لذت بخش و با صفا (به من گفته شده بود) بعضی اوقات بچه های شیطانی هستند. خارج از مدرسه زمین بسکتبال و تنیس بود. مدارس در سراسر کشور رایگان هستند و آموزش و پرورش در سراسر جمهوری دمکراتیک خلق کوریای شمالی اجباری است.

پس از آن، من درباره این دیدار با آقای جانگ صحبت کردم که به من توصیه کرد که این سطح از دانش آموزان جدی و سخت کوش می باشند، زیرا آنها برای امتحانات ورودیه به کالج و دانشگاه ها آماده می شوند. من به آقای جانگ اشاره کردم که سطح تحصیلی والدین به عملکرد دانش آموزان در آزمون ها کمک می کند و من اشاره کردم که کودکان کارگران و کارگران کشاورزی از غنی سازی فکری که بچه های کارگر حرفه ئی و فکری دریافت می کنند محروم خواهند شد، و این تفاوت ها ممکن است روی عملکرد این بچه ها در امتحانات آنها تأثیر بگذارد. آقای جانگ پاسخ داد که در واقع تمام کارخانه ها، مدارس و سایر امکانات آموزشی را در محل واقعی کارشان دارا می باشند، به طوری که کارگران کارخانه برای دسترسی به تمام امکانات آموزشی در طول ساعات کار و پس از آن، برای اصلاح هر گونه ناکامی در آماده سازی آموزشی خود، که در نتیجه آنها را قادر می سازد تا اطلاعات کودکان شان را همانند آنچه که توسط همکاران حرفه ئی یا روشنفکران ارائه می شود، به فرزندان شان داده شود. کارگران کشاورزی همچنین دسترسی به امکانات آموزشی برای آموزش مکمل خود را دارا می باشند.

صبح شنبه ۳۰ می، از برج یاد بود حزب کارگر کوریا بازدید کردیم، که مبارزات مردم کوریا را تحت رهبری کیم ایل سونگ برای استقلال از امپریالیستهای جاپان مجسم می کرد. من توسط نماد حزب کار کوریا مجذوب شدم، که آقای جانگ به من با شرح زیر توضیح داد: نظر به این که سبیل های دیگر احزاب کمونیستی، داس و چکش را نشان می دهد که نماد گرایی از کارگران صنعتی و کارگر کشاورزی است، در مرکز نماد جمهوری خلق کوریای شمالی یک قلم است که بیانگر اعتبار کارگر فکری در جامعه کوریای شمالی است. این یک وحی بود و ممکن است موفقیت بزرگی از جمهوری دمکراتیک خلق کوریای شمالی را در ایجاد یک جامعه پیشرفته سوسیالیستی توضیح دهد که غالب شدن بر تلاش های تازه برای نابود کردن کل کشور، و سرعت بخشیدن به پیشرفت های علمی، پیشرفت های پزشکی، تکنولوژی سبز، انرژی پاک، ماهواره های فضائی، و در حال حاضر توسعه سلاح های هسته ئی ضروری است که برای محافظت از کشور در مقابل یک حمله دیگر توسط متجاوزان امریکائی و متحدان آن یا جاپان یا حمله های تهاجمی امپریالیستی توسط هر کشوری دیگر ضروری است.

خلاف سایر تلاش های ناخوشایند که روشنفکران را به کار یدی هدایت می کنند، تصمیم کیم ایل سونگ برای دادن اعتبار به روشنفکران توسعه کوریای شمالی را تحریک می کند، و امروز همچنان یک الگو برای توسعه اقتصادی و اجتماعی سوسیالیستی است و موفقیت آن هم چنان تهدید آمیز نسبت به اقتصادهای سرمایه داری کهنه و روبه زوال



امریکا و اروپای غربی بدتر از آن هستند که این کشورهای سرمایه داری از لحاظ پاتولوژیک هر سیستمی را که خود نمی توانند به آن دست یابند را می خواهند نابود کنند.

تحریم های ملل متحد عمداً منزوی کردن جمهوری دموکراتیک خلق کوریای شمالی و مجبور کردن آن به زندگی در فقر اقتصادی/سیاسی و شکنجه اقتصادی و سیاسی آن به خاطر مسیری که این کشور به منظور توسعه اقتصادی و سیاسی و شیوه زندگی انتخاب کرده است. این درست شبیه نازی هائی ست که یهودیان را با زور مجبور به تن دادن به زندگی در محله های فقیر نشین ورشو کردند. تحریم های ملل متحد صنایع جمهوری دموکراتیک خلق کوریای شمالی را خنثی می کند، درست همان طور که گشتاپو یهودیان را مجبور کرد تا کسب و کارشان را در آن محله های فقیر نشین ببندند. و این قیل از نابودی مردم در اروپا صورت گرفت، هم چنان که تحریم های ملل متحد علیه جمهوری دموکراتیک خلق کوریای شمالی ممکن است دقیقاً ماقبل تلاش برای نابودی این مردم آسیائی باشد.

کشورهای سرمایه داری غربی با بحران های اقتصادی مواجه هستند، با « اقدامات ریاضت کشی » غیر عادلانه، المان، ایتالیا، فرانسه و انگلستان را بی ثبات کرده، حمایت های اجتماعی را تضعیف کرده، تحریک شورش و حملات تروریستی را نیز افزایش داده. سیر بلا کردن (کسی که گناه دیگران را به گردن او می اندازند) جمهوری دموکراتیک خلق کوریای شمالی، یک انحراف یا گپیچ کردن افکار عمومی ست، و کوریای شمالی مانع کنترل هژمونیک سرمایه داری غرب در اوراسیا باقی می ماند. از لحاظ جغرافیائی، کوریای شمالی که در مرز روسیه و چین قرار دارد، دروازه ایست به قاره آسیا. جنرال داگلاس مک آرتور، از اهمیت نظامی و ستراتیژیک در وضعیت کوریا، آگاه بود که جار و جنجال به راه می انداخت، «با اشغال تمام کوریای جنوبی و شمالی، ما می توانیم تنها خط تأمین کننده ای را که بین سیبری و جنوب برقرار می شود قطع کنیم ...، تمام ناحیه بین ولادیوستوک و سنگاپور را کنترل می کنیم ... پس از آن هیچ چیز نمی تواند فراتر از قدرت ما باشد».



**دیدگاه هوایی از مجتمع علمی- فناوری (منبع: کاوش KDRK)**

بعد از ظهر روز ۲۰ می ۲۰۱۷، ما از سالون Sci-Tec بازدید کردیم، یک نمایش خیره کننده از دستاوردهای علمی جمهوری دموکراتیک خلق کوریای شمالی، از ماهواره های فضائی گرفته تا تکنولوژی انرژی پاک، و خانم نفیسی به عنوان راهنمای من، کیم وان سیم، فزیک دان نظری، منشاء ظرافت، شخصیتی و خردمند، و زمانی که او علاقه خود را نسبت به معادله Schrodinger، و نظریه کوانتومی ذکر کرد، پاسخ دادم که من نیز از ریاضیات پیشرفته، که سالها پیش به عنوان دانشجوی کارشناس در کالج Bennington، و بعد در کلمبیا تحصیل کرده بودم، مجذوب شدم، و من علاقه خاصی به اصل عدم قطعیت هایزنبرگ داشتم.

در آن لحظه، او تفکر من را فهمید، و یک پیوند میان فزیک دان زن کوریائی و یک روزنامه نگار امریکائی که توسط Heisenberg و Schrodinger با هم متحد بودند، زبان فراتر از مرزهای ملی و جنون جنگ را به اشتراک گذارند. مانند بسیاری دیگر از زنان کوریائی شمالی، متوجه شدم چهره اش پاکیزه شفاف است و من نمی دانستم که آیا این نتیجه یک کرم مخصوص صورت است که در غرب وجود ندارد، یا بسادگی او آدم سالمی ست.

من به خانم کیم اعتراف کردم، بدون این که به هیچ کس دیگری اعتراف کرده باشم، چرا من علم را رها کرده بودم. من در چند دهه اخیر حتی یک انتگرال یا مشتق از یک تابع نگرتم. با این وجود، چون او می دانست که من آشنائی کامل با این موضوعات دارم، به من قول داد تا یک معمای ریاضی ارائه دهد. اگرچه من اعتراف کردم که من سه دهه است که معادله ریاضی را نگاه نکردم، من نمی توانستم وسوسه سؤال او را مقاومت کنم.

بعد از نشان دادن اتاق های ویژه ای که تجهیزات علمی و امکانات برای افراد معلول، از جمله کورها، و اتاق های محصورکننده و نمایش داده شده برای معرفی دانش برای کودکان و غیره، نمایشگاه های علمی دیگر از دستاوردهای در رشته های مهندسی استفاده از بافت های مصنوعی عضو بدن، فن آوری های بحری و فضائی و علمی آنها و اصول علمی و تکنولوژیک، روند کشاورزی، هیدرولیک، هیدروترمولوژی، فلز، حمل و نقل ریلی، معماری، الکترونیک، به ذکر تنها چند نمونه از این نمایش ها، او به من معمای ریاضی را که قول داده بود ارائه داد.

وقتی که روش صحیح حل معما را به طور متوالی تعیین کردم، او به من توصیه کرد که برای حل این معما ۱۲۷ مرحله لازم است، و هم چنان که وقت لازم برای حل معما تقریباً تمام شده بود و نتوانسته بودم حل معما را به پایان برسانم، که در این صورت او به من خبر داد که معما را من هم اکنون حل کردم. با این حال، قبل از این که ما از هم جدا شویم، او اصرار داشت به من نحوه «سلام» کردن به زبان کوریائی را بیاموزد که در واقع دنیای جدید دیگری را بروی من گشود یعنی هنگامی که هر بار به یک کودک کوریائی به زبان خودش درود می گفتم، آنها بسیار مؤدبانه، عمیقاً و صریحاً به من پاسخ می دادند و من هم به نوبه خود به آنها سلام یا تعظیم می کردم.

من به صورت آزادانه و به طور تصادفی با افرادی که در همه جا ملاقات کرده بودم سخن گفتم و سربازان کوریائی شمالی را به زبان خودشان سلام و احوال پرسی کردم و اظهار داشتم که من یک شهروند امریکائی هستم و دو کشور ما باید دوست باشند. آنها بدون کوچکترین تردیدی با من توافق داشتند، چون همه موانع مثل ملت، نژاد، زبان، و تصورات کلیشه ای براحتی حل شدند و رابطه انسانی با موانع مصنوعی و بیگانگی جایگزین شدند. در این روزهای تحول آمیز، من تمام برنامه نویسی ها، و تلقین آموزشهای غلط روزانه گذشته را که به من نوعی اعمال می شد هم چنان که من در فرهنگ غنی و فکری و بشر دوستانه کوریائی شمالی جذب می شدم، کاملاً فراموش کردم.

روز ما در خیابان میرای دانشمند، جایی که آقای جانگ مجتمع مساکن را به من نشان داد. در این مجتمع دانشمندان و خانواده های شان بدون هیچ گونه هزینه ای زندگی می کنند، چرا که تمام امکانات، از جمله پزشکی که ضروریست برای خانواده های شان بدون هزینه تأمین می شود، به طوری که دانشمندان از قید نگرانی در مورد حمایت از خانواده های شان آزاد باشند تا بتوانند ذهن خود را به آسودگی خاطر صرف مجاهدت های علمی بکنند. این یک مدرک دیگری برای پیشرفت علمی سریع کوریائی شمالی بود.

هم چنانکه ما برای صرف شام به میهمان خانه Kobangsan می رفتیم، من شاهد یک منظره بسیار زیبا و دلنشین بودم: ما از یک منطقه روستائی از کارگران کشاورزی گذر کردیم. در این مزرعه یک پتوی صورتی زرق و برق دار پهن بود و روی این پتو دختر بچه کوچکی حدود شش تا هفت ساله بود که برای سرگرمی خود و هر تماشاچی می رقصید. در کجا این حرکات زیبای رقص را فرا گرفته بود من نمی دانستم، اما درجه دقت و شوق در اجرای رقص

برای خودش متقاعد کننده بود. او به احتمال قوی فرزند یکی از کارگران کشاورزی بود و منتظر پایان روز کاری بود که خانواده برای صرف شام به منزل باز می‌گشتند و این دختر بچه در حال تمرین حرکات رقص خود بود هم چنان که در انتظار والدینش بود. لذت و مهارت و چیره دستی او واضح بود. من متأسفم که از آقای جانگ درخواست نکردم بلافاصله ماشین را متوقف کند تا ویدیوی این کودک زیبا را در لباس روشن رنگش همانطور که او در آن مزرعه، در آن بعد از ظهر طلایی زینت می‌بخشید به تصویر بکشم.

## قسمت دوم

### تباهی روحی و فکری بوسیله « حقوق بشر » به عنوان یک سلاح تخریب جمعی

فساد اخلاقی از مفهوم « حقوق بشر » برای استفاده به عنوان یک سلاح تخریب جمعی در ملل متحد تکمیل شده است. همان طور که مایکل باست (Michael Bassett) در مقاله خود اشاره می‌کند. « جنگ های مدرن کوریا: عرضه یا تجهیز با سلاح به وسیله حقوق بشر »:

به گفته اندرو برت (Andrew Burt)، « برای دهه ها دولت ایالات متحده هیستری جمعی را شکل داده و آن را تحت کنترل در آورده، که به اهداف سیاسی امریکا در خارج از کشور دست یابد. کمیسیون تحقیقات حقوق بشر ملل متحد در مورد کوریای شمالی براحتی چهار ماه بعد از مرگ کیم جونگ ایل تأسیس شد ».

استیو هارینک (Steve Haarink)، یک کاندید دکترا اشاره می‌کند، « از سال ۲۰۰۶ به بعد هر کمیسیون تحقیق اقدامات نظامی علیه کوریای شمالی در صدر تصمیم‌گیریها قرار داشته و این وضعیت شرایط انسانی را بدتر کرده است. ... « بنیاد ملی برای دموکراسی به شدت به درد آن سازمان های غیر دولتی که این هیستری را دامن می‌زنند، سرمایه گذاری می‌کند. ... « دولت ها عمداً هیستری حقوق بشر را تولید و آن را تحت کنترل قرار می‌دهند. « ... " ... در حالی که National Endowment Dataset (مجموعه داده های بنیاد ملی) به سمت سازمان های حمایت مالی از جمله سازمان حقوق بشر کوریای شمالی (NGO)، وزارت دفاع می‌رود که یک صنعت عظیم حقوق بشر را تأمین می‌کند ... " « متعاقب رسانه های بین المللی بزرگ و کوچک، به ویژه از جانب ایالات متحده، آدم به شدت احساس می‌کند که کمپین های تبلیغاتی حقوق بشر مانند بمب ها عمل می‌کنند، آنها هر چیزی را مورد هدف قرار می‌دهند، آنها هر چیزی را منفجر می‌کنند، و آنها به دنبال نابود کردن همه چیزهایی هستند که در معرض دید هستند. اینها در این مورد صریح هستند، اما مانند بمب ها انفجارشان می‌تواند کاملاً معکوس باشد - مبهم، غیر قابل پیش بینی و خالی از تبعیض در مصدوم کردن. اگرچه، کمپین تبلیغاتی آنها در اینجا تأثیر بر روی افکار عمومی می‌گذارد، اما تخریب و نابودی آنها همیشه خارج از مرز است - سرزمین خارجی، حیات یا جان خارجی و هزینه ضروری برای پیروز شدن در خارج از مرز. کمپین های آگاهی رسانی در مورد سازمان های غیر دولتی حقوق بشر کوریای شمالی به پیمان کاران جنگ اطلاعاتی تحت حمایت دولت ایالات متحده مبدل شده اند. ... « « اولاً، مشخص شده است که یک فراری عراقی دروغگو بر روند تصمیم‌گیری تأثیر گذاشت که باعث شد ایالات متحده به « عملیات آزادی عراق » دست زند - جنگی که خاور میانه را بی ثبات ساخت و آنرا ویران کرد. دوم، فراری کوریای شمالی شناخته شده است که برای مبارزه با افکار عمومی در مورد منافع خود، کمپین های اطلاعات غلط و مخفی سازماندهی می‌کنند ... « « سقوط یک کشور کار ساده ای نیست. ستراتیژی، یا آنطور که به نظر می‌رسد، متشکل از چندین کمپین در حال انجام به طور همزمان باید باشد. این برای نویسنده مجهول است که - اگر هر انسانی - " عملیات کوریای شمالی " را به طور کلی سازماندهی کند، اما واضح است که تلاشهای هم‌آهنگ شده ای برای سقوط رژیم با استفاده از زور یا خشونت دنبال می‌شود.

آلن وینشتاین، که در پیش نویس قوانین ایجاد National Endowment for Democracy کمک کرد، کاملاً بی پرده بود زمانی که در سال ۱۹۹۱ گفت:

«بسیاری از آنچه که امروز انجام می دهیم، ۲۵ سال پیش توسط سازمان " سیا " به طور مخفیانه انجام می شد.»  
در سال ۱۹۹۳، موری کمپتون (Murray Kempton)، روزنامه نگار برجسته و برنده جایزه پولیتزر، یک نامه خصوصی برای من نوشت و در آن نامه توصیف کرد که بنیاد ملی برای دموکراسی ( National Endowment for Democracy)، یک " آفت تباہ کار و بی زار کننده " است و این بیانات به طور کامل پرونده های بنیاد ملی برای دموکراسی، " فراری مشهور"، مرکزی برای دادن اطلاعات غلط نظامی را توصیف می کند. هم چنان که تحریف های شن دونگ هیوک (Shen Dong-hyak) او را سیاه رو کرده است، یک ستاره راک جدید، ولی فراری، یاون می پارک (Yeon MI Park)، کسی که بیش از ۱۲ هزار دالر برای هر سخن رانی به منظور تهمت به جمهوری دموکراتیک خلق کوریای شمالی و دادن اطلاعات سرتاسر غلط برای گمراه کردن افکار عمومی، یعنی پول هنگفت برای چنین خدمتی می گیرد. در حقیقت، تدبیر اطلاعات غلط به منظور گمراه کردن افکار عمومی علیه جمهوری دموکراتیک خلق کوریای شمالی، یک صنعت بسیار سودآوری، حرفه پر منفعت که کاملاً قابل مقایسه با قبل شده است.  
یک بعد از ظهر هم چنان که ما به جلسه رفتیم، آقای جانگ به روشنی هدف و روشهای تحریم را تحلیل کرد. برای نقل بیان از چیزی که او گفت: این تحریم ها باعث افسردگی و کاهش کیفیت زندگی یک ملت می شود، ملتی که در ناامیدی سرانجام دولت را مقصر می شمارند و به آن حمله ور می شوند و سبب تغییر رژیم می شود و واضح است که این عمل بدون مداخله نظامی صورت خواهد گرفت.

در جلسه شورای امنیت در سطح وزیران در تاریخ ۲۸ اپریل ۲۰۱۷، معاون وزیر روسیه، گاتیلوف اظهار داشت:  
« تحریم ها نباید از لحاظ اقتصادی به منظور خفه کردن جمهوری دموکراتیک خلق کوریا و یا بدتر شدن وضعیت بشردوستانه استفاده شود. این به خصوص به محدودیت های یک جانبه غیرقانونی مربوط می شود که برای مناطق غیر نظامی که با برنامه های راکتی هسته ای کشور مرتبط نیستند، اعمال می شود. چنین تحریم هایی باعث وخامت شدید در شرایط زندگی مردم کوریای شمالی شده است که، در ضمن، در تازه ترین گزارش دفتر هماهنگی امور بشردوستانه به عنوان یک علت برای زنگ خطر شناخته شده است. آنها در این مورد به طور توجیه کننده ای محتاط هستند. ما باید اذعان کنیم که معافیت های بشردوستانه که توسط شورای امنیت ملل متحد ارائه می شود اساساً کارائی ندارند. به دلیل ممنوعیت روابط خبرنگاران با جمهوری دموکراتیک خلق کوریا، این غیر ممکن است که کالاها و مواد غذایی مورد نیاز برای اقتصاد کشور را از خارج از کشور خریداری کرد. به دلیل طریقی که سیستم مالی و بانکی کار می کند، تأمین مالی سازمان های بشردوستانه ملل متحد که هنوز در کشور کار می کنند، بسیار دشوار است. از آنجائی که پیونگ یانگ نمی تواند ذخایر ارزی خود را به دلیل محدودیت های موجود دوباره پر کند، می تواند خود را در شرایطی قرار دهد که غیر ممکن باشد که به صندوق های مالی ملل متحد وجه واریز کند که در اختیار آن سازمان قرار گیرد، همان طور که کمیته مربوطه مجاز کرده است. مورد جداگانه و دیگر وضعیت در مورد مأموریت های دیپلماتیک خارجی در پیونگ یانگ است. ما نباید اجازه دهیم وضعیتی که در آن مأموریت های دیپلماتیک به دلیل محدودیت های اعمال شده در کشور همچنان مشکلی در انجام کار خود داشته باشند. ما بارها و بارها این موضوع را در جلسات کمیته شورای امنیت که به موجب قطعنامه ۱۷۱۸ (۲۰۰۶) ایجاد شده است، مطرح کردیم، اما در نتیجه موضع چوب لای چرخ گذار که توسط اعضای فردی آن اتخاذ شده، وضعیت هرگز تغییر نکرده است. »

در میان نمونه های بی رحمانه ریاکاری و استانداردهای دوگانه مندرج در قطعنامه ۲۳۵۶ ، که تحت فصل هفتم تصویب شده است، عبارت از این است:

«ابراز نگرانی شدیدی است که ممنوعیت فروش اسلحه از جانب جمهوری دموکراتیک خلق کوریای شمالی درآمدی را حاصل کرده که به دنبال دستیابی به سلاح های هسته ای و راکت های بالستیک است، در حالی که شهروندان جمهوری دموکراتیک خلق کوریا خواستار رفع نیازهای خود هستند.»

عبارت بالا یک تعبیر هجو آمیز مضحک از نگرانی ست، و نقشه سرمایه گذاریهای بی رحمانه و غیر انسانی ایالات متحده در تسلیحات هسته ای خود، در حالی که نیازهای مردم امریکا نادیده گرفته می شود، و در حالی که مالیات های مردم امریکا به سرقت می رود تا "استاندارد بالاتر" تسلیحات هسته ای را برای جنگ آماده سازند. تا اپریل ۲۰۱۶ دولت ایالات متحده یک تریلیون دلار برای توسعه و مدرن سازی سلاح های هسته ای، یک برنامه "بازسازی" هسته ای، شامل پنج دسته از سلاح های هسته ای پیشرفته و و سائل نقلیه برای تحویل، ساخت سلاح های هسته ای کوچکتر، که بی نظیر و دقیق هستند، سرمایه گذاری کرد. در شهر لاس الاموس، نیومکزیکو، مقامات ارشد ارتش در البوکرک جمع شدند تا طرح یک تریلیون دلار تسلیحات هسته ای را ترقی دهند. این جلسه توسط «ائتلاف منع کننده ستراتیژیک» ("Strategic Deterrent Coalition") و نورتراب گرومن (Northrup Grumman)، بوئینگ، اوربیتال آتک (Orbital ATK) ، BAE Systems، و غیره؛ و هزینه های آن مستقیماً توسط نیروی هوایی تأمین می شود. سخن رانانی که در جلسه مربوطه حضور داشتند: دریا سالار سیسیل هنی، فرمانده سرکردگی ستراتیژیک ایالات متحده امریکا، جنرال جک واینساین، معاون فرمانده نیروی هوایی ایالات متحده برای یک پارچگی هسته ای، جنرال رابین رند، فرمانده، سرکردگی جهانی نیروی هوایی، و دیگران از جمله شهردار البوکرک، ریچارد بری.

### همانطور که توسط گروه مخالف به وضوح اعلام شد،

« گروه سیاسی محکم با منافع مشترک، نظامی و جناح سیاسی ضد محیط زیستی که توسط شرکت های سلاح های هسته ای در نیومکزیکو شکل گرفته است، با موفقیت قابل توجهی در تضعیف و تخریب نیروی کار، ضدیت با حفاظت از محیط زیست، و سیاستهای اجتماعی مترقی در دولت ما برای سالیان دراز فعالیت کرده است. تأثیر منفی آنها به شدت به نتایج اقتصادی - اجتماعی که سبب فقیر شدن ما شده است را می بینیم. وفا داری ترسناک و وحشتناک ما به مأموریت سلاح های هسته ای، به دو آزمایشگاه بزرگ و آزمایشگاه کرتلند در میان پایگاه های دیگر، یک اعتیاد سیاسی و بیماری است.»

در حالی که ایالات متحده هزار میلیارد دلار مالیات شهروندان امریکائی را به منظور « احیای سلاح های هسته ای » سرمایه گذاری می کند، فدراسیون نجات کودکان واقع در فریفلد کاناتیکات گزارش می دهد که:

« ایالات متحده مدام دارای یکی از بالاترین میزان مرگ و میر نوزادان در زمره کشورهای صنعتی با درآمد بالا است ... در سال ۲۰۱۵ در حدود ۲۳۴۵۵ نوزاد از نوزادان در ایالات متحده قبل از اولین تولد جان شان را از دست دادند - بیش از مجموع مرگ و میر نوزادان در ۴۰ کشور اروپائی در طول همان سال بوده است. ۹ شهرستان کوچک فقیر نشین در تگزاس گزارش دادند که میزان مرگ و میر ناشی از تلفات در سال ۲۰۱۳ ، ۲۲ نفر در هر ۱۰۰۰ تولد بوده.»

« یکی از هر پنج کودک در خانواده ای زندگی می کند که دسترسی منظم به غذا ندارد. » « میلیون ها خانواده در سراسر امریکا تلاش می کنند تا به غذای سالم دسترسی یابند. یکی از هر ۵ کودک در خانواده ای زندگی می کند که در

طول سال به طور منظم دسترسی به غذا ندارد. ۱ در هر ۳ خانوار که درآمد زیر خط فقر دارند، با ناامنی غذایی در سال ۲۰۱۵ روبه رو بودند. علاوه بر این، طبق آخرین آمار دولت، بیش از نیم میلیون کودک در خانواده هائی زندگی می کنند که « با امنیت غذایی بسیار پائین » روبه رو هستند. کودکان در این خانواده ها با خطر ابتلا به سوء تغذیه بسیار زیاد، چاقی و گرسنگی که می تواند مانع رشد جسمی و روحی آنها شود و شانس خود را برای رشد قوی و سالم کاهش دهند... به طور کلی، ۱.۱۳ میلیون کودک در خانواده هائی زندگی می کنند که در سال ۲۰۱۵ از دسترسی به غذای کافی برخوردار نبودند. بیشترین نگرانی این است که براساس رقم تخمینی، ۵۴۱ هزار از کودکان در خانواده هائی زندگی می کنند که " امنیت غذایی بسیار پائین" را تجربه می کنند. برای این کودکان، وضعیت « چنان شدید بود که مراقبین گزارش دادند که کودکان گرسنه بودند، یک وعده غذا را جا می انداختند، یا این که برای تمام روز غذا نمی خوردند، زیرا پول کافی برای غذا موجود نبود. »

« فقدان آموزش و پرورش کودکان را در تله فقر گرفتار می کند. هر سال تخمین زده می شود که ۷۵۰ هزار دانش آموز مدرسه را ترک می کنند و به جرگه ۵.۵ میلیون از جوانان بین ۱۶ تا ۲۴ ساله ای که یا در مدرسه نیستند یا بی کارند می پیوندند. برای میلیون ها نفر از جوانانی که مدرسه را ترک کردند، اکنون با یک زندگی پر از مبارزه بی پایان روبه رو هستند، یا فرصت های بسیار کمی برای یافتن کاری که دستمزد قابل امرار معاش، مثل خرید مسکن یا حمایت از خانواده مواجهند. »

« سوء استفاده های مختلف از کودک و اعتیاد وابستگی به مواد مخدر نیز باعث از هم گسیختگی زندگی صدها هزار کودک در ایالات متحده در سال می شود. در سال ۲۰۱۵، ۶۸۳ هزار قربانیان سوء استفاده از کودکان گزارش شده است. سه نفر از هر چهار نفر قربانی بی توجهی بودند. ۱۷ درصد از کودکان از نظر جسمی مورد آزار قرار گرفته و ۸ درصد از آنها مورد سوء استفاده جنسی واقع شده اند ... مرگ و میر به خاطر مصرف بالای مواد مخدر در میان نو جوانان و بزرگسالان به سرعت بالا رفته. »

**دوم جون ۲۰۱۷ : روزنامه USA Today گزارش می دهد** « با افزایش ناگهانی بی خانمانی در لوس آنجلس سبب شد، سرپرست بخشرداری County اعلام وضعیت اضطراری کند. »

بیش از ۵۷ هزار نفر در بخشرداری (County) لوس آنجلس بی خانمان هستند. در شهر نیویورک، ۶۰ هزار نفر بی خانمان هستند، همانطور که در Gothamist گزارش شده است. در هر شبانه روز ۶۰۰ هزار نفر در ایالات متحده بی خانمان هستند. این وضعیت بی خانمانی اغلب این افراد را از حق رأی دادن محروم می کند، زیرا کارت شناسایی با عکس و با آدرس منزل در برخی از ایالت ها لازم است، بنابراین فقیرترین افراد بی خانمان در ایالات متحده نیز محروم می شوند.

**به لوس آنجلس تایمز در روز ۳۱ می ۲۰۱۷، مقاله ای از کارلا هال درج شده که بیان می کند:**

«بی خانمانی در همه جا موجود است، و اگر فکر می کنید این تیرگی از بدبختی، از بین می رود، خیالی ست واهی، دوباره فکر کنید. در واقع، ارقام جدید ترسناک هستند. تعداد افراد بی خانمان در لوس آنجلس به طرز تکان دهنده ای ۲۰٪ افزایش یافته است.»

دولت امریکا برای مردم امریکا چه کاری انجام می دهد؟ این دولت مبالغ هنگفتی را برای سلاح های هسته ئی سرمایه گذاری می کند، اما تقریباً هیچ کمکی به تخفیف فقر نمی کند.

هنگامی که من در کوریای شمالی بودم، بسیاری از مردم به من می گفتند که کیم جونگ، رئیس جمهور آنها کودکان را دوست دارد (البته نویسنده این مقاله بر اساس برداشت خود مطرح می کند که چون " کیم جونگ کودکان را دوست

دارد" به کودکان رسیدگی می شود، در صورتی که این برخورد به کودکان یا به طور کلی انسانها جزء جدا ناپذیر و طبیعت جامعه سوسیالیستی ست - مترجم) و شواهد قوی در این مورد در بسیاری از امکانات موجود به منظور تشویق و کمک به کودکان در زمینه بهداشت، آموزش و پرورش و فعالیت‌های تفریحی برای جلب کودکان، از جمله "دلفیناریوم" (یک آکواریوم که در آن دلفین ها برای سرگرمی های عمومی نگهداری می شوند و آموزش می دهند) که طی آن دلفین های آموزش دیده نمایش می دهند و شیرهای بحری چاق را در مقابل مخاطبانی که کودکان هستند قرار می دهند و کودکان به بال های آنها دست می زنند و دلفین ها کودکان را می بوسند، سپس اردک وار از پشت مریبان خود بیرون می آیند، هم چنان که کودکان با افسون خیره می شوند، نمایان است. در سیرک، کودکان و بزرگسالان در مهارت فوق العاده و جرأت هنرمندان آکروباتیک بند باز از شگفتی به نفس نفس می افتند!

در روز ۲۲ می ۲۰۱۷، من با دکتر لی کی سونگ، یک مقام رسمی در مؤسسه مربوط به اقتصاد از آکادمی علوم اجتماعی ملاقات کردم. در طول جلسه دو ساعته ما در مورد ضرورت برای توزیع ثروت بیشتر جهانی و دسترسی به مراقبت های بهداشتی و آموزشی بحث کردیم و دکتر لی در مورد نیاز کشورهای ضد امپریالیستی برای اتحاد به منظور مخالفت با تجاوز قدرت های امپریالیستی صحبت کرد، و تصریح کرد که این حق مسلم کشورهایی که توسط امپریالیسم مورد تجاوز قرار گرفته اند، است تا برای دفاع از موجودیت خود در مقابل اشکال چند جانبه این تجاوزات بایستند. به خاطر اختصار، به خاطر خلاصه شدن، من باید بسیاری از رویدادهای شگفت انگیز را که شاهد آن بودم، حذف کنم، اما این امکان ندارد که من خاتمه دهم بدون توصیف سفر من به « موزه پیروز و ظفر نشان جنگ آزادیبخش سرزمین پدری »، با باز سازی مینیاتور از وحشتی که حملات ایالات متحده علیه جمهوری دموکراتیک خلق کوریای شمالی بین سالهای ۱۹۵۳ - ۱۹۵۰ صورت گرفت.

کلیپ های فلم مستند کوتاه، ترومن، رئیس جمهور ایالات متحده، جنرال مک آرتور و دالس Dulles به طور روشنند و با شخصیتی جامعه ستیز برنامه ریزی کردند تا این حمله را انجام دهند و با نگاه پیروزمندان ناشی از کینه و طمع نسبت به هوش و ذکاوت خود در برنامه ریزی حمله غافل گیرانه به کوریای شمالی در روز یکشنبه ۲۵ جون، ۱۹۵۰ زمانی که آنقدر غیر منتظره بود، و مردم کوریای شمالی، آماده برای این حمله نبودند، از بزرگترین شوک رنج بردند. این مستند با چهره های ترور و وحشت کودکان کوریای شمالی به پایان رسید که نشان می دهد چطور زندگی آنها فوراً از بین می رود. من به طور ناگهان گریستم وقتی فهمیدم که بعد از صلح موقت، مک آرتور توسط سایر جنرال هائی که از اختلال روانی مزمن با رفتار اجتماعی غیر طبیعی یا خشونت آمیز رنج می برند، جایگزین شد، اما وحشت امپریالیسم در کشورهای دیگر یکی پس از دیگری مثل، ویتنام، کامبوج، لائوس تکرار شد، زندگی انسان ها از بین رفت، ملت ها استعمار شدند و رمقی برایشان باقی نماند و سوده های گزاف به دست آمده از جنگ، حساب های پف کرده بانکهای یک درصدی ها که (Oxfam) آکسفام اکنون اظهار می دارد، دارای ثروت بیشتری نسبت به بقیه جهان است. « یک شبکه جهانی پناهگاه مالیاتی بیشتر افراد ثروتمند را قادر می سازد تا ۷.۶ تریلیون دالر را پنهان کنند. »

این روندی بود که دولت ایالات متحده نیز برای بی ثبات کردن و سرنگونی دولت منتخب دموکراتیک گولارت در برزیل، و جایگزینی او با یک دولت نظامی فاشیستیبه کاربرد که تابع شرکت های امریکائی بود. این روند برای بی ثبات کردن و سرنگونی دولت سوسیالیست منتخب سالوادور آلنده در چیلی تکرار شد و جایگزینی دولت او توسط یکی از دیکتاتورترین و فاشیست ترین در تاریخ شد، یک عروسک دست نشانده منصوب و توسط ایالات متحده پشتیبانی شد و هم چنانکه توسط دیوید رمانیک در واشنگتن پست در سال ۱۹۸۶ گزارش شده است، که پولیس فاشیست چیلی به طور روزمره و عادی موش های زنده را به درون رحم زندانیان سیاسی زن فرو می کرد. در طی سال های دیکتاتوری

های وحشتناک، به عنوان خبرنگار در هر دو کشور برزیل و چیلی کار کردم و هرگز نمی توانم این صحنه ها را فراموش کنم. و در موزه جنگ کوریای شمالی همه چیز را از نو به یاد می آورم.

امپریالیسم یک سرطان است - تکیه از پورتال- که گسترش می یابد و به شکل های دیگر در می آید و روش ها خود را با شرایط تغییر می دهد و اکنون فرا گسترده شده و سرطان خود را به شورای امنیت ملل متحد نیز گسترش داده. ملل متحد هرگز به خاطر قطعنامه ۶۷۸ شورای امنیت از عراق عذر خواهی نکرد که " ائتلاف" ایالات متحده و انگلیس را برای استفاده از " تمام روش های ضروری" در حمله به عراق مجوز داده و طبق اظهار رئیس جمهور فنلاند، مارتینی آکتساری، « تخریب زیرساخت های لازم برای حمایت از زندگی انسانی در عراق را نابود کرد. » ملل متحد هیچ وقت برای قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت از لیبیا عذرخواهی نکرده است، که ایالات متحده و ناتو را مجاز برای استفاده از « همه اقدامات لازم » کرده است و به طور کامل کشور لیبیا را ویران کرد و آن را تبدیل به یک محل پرورش تروریسم نمود.».

تنها می توانیم امیدوار باشیم که اکنون، با مشاهده قصابی و خون ریزی توسط شورای امنیت، رئیس جمهور جمهوری دمکراتیک خلق کوریا، کیم جونگ اون، هم چنین با استفاده از « تمام روش های ضروری » از مردم شگفت انگیز، شجاع، خوش منظری که شیوه یک زندگی انسانی را انتخاب کردند، محافظت کند. هر چند که رئیس جمهور جمهوری دمکراتیک خلق کوریای شمالی، توسط مطبوعات امریکائی مورد تمسخر قرار گرفته، اما بدیهی ست که او خود را وقف مردم کرده، به نیازهای یتیمان و معلولان پاسخ می دهد، بالاترین سطح آموزش و پرورش برای مردم فراهم شده، کارخانجات ایجاد شده بهترین کفش چرمی را برای زنان فراهم می کند، در حالی که تحریم های ملل متحد برای تنزل سطح فرهنگی و فکری مردم کوریای شمالی طراحی شده است. این هیچ ارتباطی با تولید سلاح های هسته ئی ندارد. این یک اعمال طرح ایالات متحده در ملل متحد برای تخریب فرهنگ جمهوری دمکراتیک خلق کوریای شمالی ست، یک نوع نسل کشی فرهنگی، همراه با تحریم هایی که باعث خرد کردن اقتصاد می شود و زندگی مردم کوریای شمالی را به سطح غیر قابل تحمل کاهش می دهد.

فقط اگر احیاناً « فشار کامل دادگاه »، که از قبل تعیین شده برای تپه کردن زندگی این شهروندان قهرمان کوریای شمالی موفق نشود، ما می توانیم با تلاش برای ترور کیم جونگ اون، همانطور که توسط Financial Times و نیویورک تایمز و "پیونگ یانگ تایمز" در ماه مه گزارش شد، زمانی که یک برنامه سازمان " سیا " و کوریای جنوبی برای ترور پرزیدنت جمهوری دمکراتیک خلق کوریای شمالی با استفاده از مواد کیمیائی بیولوژیک کشف شد.

این مقاله با نقل قول از سه میهن پرست بزرگ امریکائی، مارتین لوتر کینگ، رئیس جمهور پیشین، جیمی کارتر و دادستان کل سابق امریکا، رامسی کلارک، شروع می شود که هر سه سیاستهای خشونت آمیز ایالات متحده را محکوم کردند. تاریخ، حمله کنونی ملل متحد به رهبری ایالات متحده را به عنوان یکی از بزرگترین جنایات قرن بیست و یکم، محکوم خواهد کرد.

\*- کار لا استیا، خبرنگار تحقیقات جهانی در مقر ملل متحد، نیویورک، نیویورک است.

تصویر برجسته: آندره ولتچک

اطلاعات بیشتر در- <http://www.globalresearch.ca/the-social-andeconomic-achievements-of-north-korea/5594234#sthash.StxQxeRX.dpuf>

توسط کار لا استا ، تحقیقات جهانی - ۱۱ جون ۲۰۱۷